

برگشت سلطان علی کشتمند

به مواضع چپ

قدوس زریر

نگاهی بر دیدگاه های محترم سلطان علی کشتمند

درین اواخر دیدگاه های مشورتی از جانب محترم سلطان علی کشتمند صدراعظم سابق و یکی از رهبران پیشین ح د خ ا در باره نیرو های چپ دموکراتیک افغانی در تارنماهای انترنتی به نشر رسید. دلایل ، عوامل و انگیزه های این موضعگیریهای انقلابی هرچی باشند چیزی از اهمیت آنها نمی کاهند. آری در موقعیتی که چپ شکست خورده و فروپاشیده افغانی در زیر انبوهه شکها، تردید ها، ناامیدیها ، گمراهیها و جفای اکثریت رهبران دیروزی خود ، **در اثر تلاش شجاعانه شماری از رزمندگان آگاه و پیگیر انقلابی پرورش یافته در مدرسه جهانبینی علمی**، باردگر قامت رُست کرده است ، موضعگیری روشن یکی از رهبران تاریخی آن در قبال مسایل بنیادی اندیشه یی و سیاسی جنبش دموکراتیک افغانی امریست مهم و شاید هم ممدی در دشوار راه مبارزه یی که در پیش داریم.

اگر هشت سال پیش رهبران دیروزی در مواضع سیاسی - اندیشه یی نهضت آینده افغانستان قرار میگرفتند ، روند نوسازی جنبش چپ انقلابی افغانستان سرعت میگرفت و این همه پدیده های انحرافی سازمانی ، اندیشه یی، تبلیغاتی و این همه زد و بند های معامله گرانه و چشمداشتهای در یوزه گرانه از آستان

ارتجاع سیاه قرون وسطایی تحت حمایت کاخ سفید ، با چنین ابعاد تأسف آور و زشت، رخ نمیدادند.

البته با اگر ها نمیشود سیاست کرد. اندیشه ها ، سیاستها و اصول مرامی سازمانی تعیین کننده اند و آدمها به حیث حاملان یا عاملان آنها در موقعیت ثانوی قرار دارند. از آنجا که نوشته اخیر محترم سلطان علی کشتمند باب تازه یی برای گفتگو و بحث میگشاید ما نخست از همه برخی از همسانیهای موضوعگیریهای تازه او را با مواضع همیشگی نهضت آینده افغانستان به گونه موازی نشان میدهیم و بعد موضوعگیریهای متفاوت ایشانرا در فاصله ۶ سال - پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ - آشکار میسازیم. منظور به هیچوجه این نخواهد بود که چرخش اندیشه یی - سیاسی محترم سلطان علی کشتمند را آشکار سازیم بل منظور این است که حقانیت و درستی گزینش برخی موضوعگیری های اخیر سیاسی - اندیشه یی او را برجسته سازیم ، موضوعگیریهایی که در جریان «۸» سال گذشته، نهضت آینده افغانستان بر آنها پافشاری کرده و علی الرغم بهتانها ، تخریبها و افتراه ها علیه ما، از راه زحمتکشان عدول نکرده است ؛ راهی که اینک محترم سلطان علی کشتمند گزینش آنها به رهروان چپ افغانی - البته این بار بدون ذکر «من الله توفیق» بر پایان مشوره نامه اش - "رفیقانه" مشوره میدهد.

اما از آنجائیکه برداشت از مفهوم چپ در مجامع سیاسی افغانی کلاً نا همگون و در بسا موارد بر پایه تصورات سلیقه ای و دلخواه بطور نا مشخص و نامأنوس صورت می گیرد لازم دیده می شود تا تأملی بر پیشینه تاریخی مفهوم چپ به عمل آید(رجوع کنید به پینویس).

جنبش چپ در بیشتر کشور های دنیا راه های از سر گیری فعالیت خود را بازیابی کرده و به پیروزی هایی نیز دست یافته است ، اما در افغانستان هنوز سایه یی از ابر های ابهام و سر در گمی بر سر این راه بستر افکنده نمی گذارد تا به رستاخیز خود دست یابد، حتی طرح مبانی فکری چپ در میان شمار زیادی از اعضای دیروز

ح د خ ا تا چندی پیش واهمه بر می انگيخت و نشانه افراطیگری پنداشته می شد .هشت سال قبل زمانیکه نهضت آینده افغانستان تأسیس یافت و ندای از سر گیری مبارزه دادخواهانه و دموکراتیک را بلند نمود ، طرحهای آن آرمانی و دور از واقعیت های کنونی جامعه افغانی خوانده شدند . با فروپاشی امارت طالبان و نصب حکومت موقت توسط اداره جورج بوش بی باوری و بی اعتمادی نسبت به افکار چپ اوج گرفت و بسیاری ها در گرو امید های نا مؤجه به "دموکراسی" نوظهور افغانی سجاده گذاشتند و در مرگ "چپ افغانی" فاتحه خواندند . چپ و احیای آن به مثابه یک جنبش و نیاز مبرم وضعیت کنونی تا هنوز در داخل افغانستان زمینه بحث جدی نیافته است .

اینک در یکی دو سال اخیر تداوم و استحکام سیادت ارتجاع و پیامد های فاجعه بار آن در داخل کشور شماری از تشکلهای و فعالین سیاسی جامعه افغانی بیرون مرزی را به باز نگری فکری وادار نموده ، آنها را به دیدگاه هایی باز می گرداند که مدتها پیش از سوی "نهضت آینده" با صراحت کلام بیان گردیده بودند . گرچه در شکل یابی اینگونه گرایشها در قبال اینکه گنجانیدن عناصر محدود دموکراتیک به غرض تزویر عامه در قوانین دولت ارتجاعی نمی توانند زمینه های اجرائی یابند ، هنوز برخورد شفاف به چشم نمی خورد و نیز اهداف عام ملی و دموکراتیک با چپ دموکراتیک معاوضه می شوند اما خود این گرایش می تواند برای آینده امیدوار کننده باشد .

مشوره های سلطان علی کشتمند و مرامنامه نهضت آینده افغانستان:

محترم س.ع. کشتمند مینویسد:

«هدف عدالت اجتماعی مبتنی بر مشارکت کامل و برابر تمام افراد و گروه ها در جامعه برای برآوردن نیازمندی های ایشان و برخورداری برابر تمام شهروندان از عین حقوق و خدمات می باشد»^{۱۰۰} بنابراین تعهد محکم به عدالت اجتماعی باید در قلب سیاست ها، برنامه ها و ستراتیژی گروه ها، نیرو ها و سازمانهای تحول طلب و ترقیخواه قرار گیرد^{۱۰۱} لازم است که نیرو های طرفدار عدالت و دادخواه نخست به مردم در باره عدالت اجتماعی آگاهی بدهند و سپس مبارزه بخاطر تحقق آنرا در عمل سازمان بخشند.» (اصل متن)

این مسأله در مرامنامه نهضت آینده افغانستان مصوب کنفرانس ۲۳ جون ۲۰۰۷ چنین فورمول بندی شده است:

«نهضت آینده افغانستان جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی را به حیث یک "امکان تاریخی" مطرح کرد، امکانی که تنها در صورت اشتراک آگاهانه گسترده ترین اقشار و طبقات مظلوم و زحمتکش در روند های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اندیشه ای - فرهنگی تحقق پذیر است.»^{۱۰۲} (فصل اول - بند دوم)

در دیدگاه های مشورتی در رابطه به عنوان "عدالت اجتماعی" وظایفی از قبیل مبارزه بخاطر ایجاد یک جامعه مدنی مبتنی بر عدالت، صلح، امنیت و قانونگرا، عدالت برای همه در هر بخش زنده گی اجتماعی، کثرت گرائی، آزادی بیان و اندیشه، دموکراتیزه کردن ساختار های سیاسی، مبارزه در برابر نژاد پرستی و ستم ملی و اجتماعی، مبارزه بخاطر امحای فقر و بیکاری، کار اجباری و بهره کشی غیر عادلانه از کار زحمتکشان، مبارزه بخاطر توزیع فراورده های مادی، دارائی ها و ثروت های ملی بر پایه عدالت برای اکثریت جامعه نه بسود اقلیت (تکیه از ماست) پشتیبانی از مبارزه سیاسی، اجتماعی و صنفی توده های میلیونی زحمتکشان افغانستان، دفاع از حقوق سندیکائی کارگران و زحمتکشان و برخی وظایف دیگر برشمرده شده اند^{۱۰۳}

آنچه در بالا برجسته گردید مبین موضعگیری کاملاً چپ بوده با **حمایت از بازار آزاد** (تکیه از ماست) در هر شکل و محتوایی که مطرح گردد در مغایرت قرار میگیرد. این موضعگیری حتی تمایل روشن بسوی جامعه بدون طبقات است

مرامنامه نهضت آینده افغانستان به مسایل فوق اینگونه پرداخته است:

- نهضت آینده افغانستان معتقد است که ایجاد یک دولت واقعاً دموکراتیک، مستقل، یکپارچه و دارای حاکمیت ملی که ممثل اراده مردم افغانستان و ضامن منافع آنها باشد و بتواند کشور را از بحران عمومی بیرون کشد، صلح پایدار، امنیت، آزادی و استقلال را تأمین و تحکیم بخشد، از تمامیت ارضی کشور دفاع و حراست نماید و جامعه افغانی را به سوی توسعه، انکشاف، ترقی و بهبودی زنده گی زحمتکشان سوق دهد به ضرورت مبرم و حیاتی مردم افغانستان و آرمان تاریخی آنها مبدل گردیده است (فصل سوم - اهداف مرامی، بند اول) *

- نهضت آینده افغانستان در راه تصویب قانون اساسی واقعاً دموکراتیک که ضامن آزادی های دموکراتیک، استقلال و تمامیت ارضی کشور، حاکمیت ملی و برابری افراد در برابر قانون بوده، تبعیض نژادی، ملی، قومی، زبانی، جنسی و مذهبی را جرم شمرده، آزادی واقعی تشکل احزاب سیاسی و سازمان های اجتماعی را ضامن کرده و کرامت انسانی را فراتر از هر اصل دیگر قرار دهد با پیگیری مبارزه می کند (همانجا) *

- نهضت آینده افغانستان آزادی بیان، فکر و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی تشکل و فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی را مهمترین شرط تأمین دموکراسی و آزادی های سیاسی در افغانستان میداند (همانجا) *

- نهضت آینده افغانستان تمام امکانات خویش را در جهت تأمین شرکت آگاهانه و مسئولانه کارگران، کارمندان و کادرهای شایسته ملی در رهبری واحد های اقتصادی - اجتماعی (مربوط به سکتور عامه) به کار میبرد و سهم شایسته خود را در امر بسیج، تشکل و سازمانیابی کارگران و سایر کارکنان سکتور های متشکله

اقتصاد ملی و ارتقای آگاهی اجتماعی آنها ایفا میکند. (فصل سوم – اهداف مرامی، بند سوم)^{۰۰}

محترم کشتمند زیر عنوان «عدالت اقتصادی» می فرمایند:

«در جامعه کنونی افغانستان بی عدالتی و نابرابری اقتصادی که ریشه در سیاست های لیبرال تحت نام نظام "بازار آزاد" دارد (تکیه از ماست) به گونه روز افزون پهنا و گستره بیشتر می یابد. فاصله میان ثروت مند و فقیر ژرف تر میگردد. مشتی از اقلیت صاحبان زر و زور که چرخ اقتصاد کشور را در دست دارند به گونه فزاینده ثروت می اندوزند و شمار هرچه بیشتر زحمتکشان درآمد های هرچه کمتر بدست می آورند...» (اصل متن)

این دقیقاً همان موضعی است که در نشرات و اسناد مرامی نهضت آینده افغانستان بازتاب صریح یافته و در مرامنامه نهضت اینگونه بیان گردیده است:

– فقر کشنده گلوی اکثریت مردم کشور را میفشارد و فاصله بین ثروت های افسانه ای یک اقلیت ناچیز و فقر جانکاه اکثریت مطلق توده های مردم پهنا و ژرفای بیشتر کسب مینماید... (فصل دوم – اوضاع کنونی، بند وضعیت اقتصادی)

– افغانستان به سرعت به سوی نوعی نظام بازار آزاد لجام گسیخته رانده میشود که پیامد های ویرانگر آنرا هم اکنون میتوان در اقتصاد ملی کشور و زنده گی توده های زحمتکش آشکارا مشاهده کرد... (همانجا)

– نهضت آینده افغانستان به این باور است که در کشور بی نهایت عقبمانده، دارای اقتصاد ورشکسته با پائین ترین سطح عاید ملی و مردم در فقر نشسته با حجم وسیع تخریبات سه دهه جنگ تحمیلی، نمیتوان تنها با گزینش "مدل نظام اقتصاد بازار آزاد" و پذیرفتن منطق اقتصادی ساختاری آن به تحقق اهداف و

وظایف مرحله جاری دست یافت و نیازمندی های اساسی جامعه را تامین نمود
۰(فصل سوم - اهداف مرامی ، بند دوم)

- نهضت آینده افغانستان بر آن است که رها کردن سرنوشت میلیون ها انسان به دست "اراده بازار آزاد" پیامدی جز استقرار فاجعه آمیز "سرمایداری بی بند و بار" در افغانستان نخواهد داشت۰(همانجا)

در ادامه دیدگاه های محترم کشتمند درین مبحث ضم مطالب دیگر پیشنهاد می گردد:

کمک به احیای نظام برنامه ریزی اقتصادی به سود رشد و توسعه اقتصادی، مبارزه در برابر اندیشه ها و سیاست های که فقر را گسترش می بخشند و فاصله میان فقر و ثروت را به گونه روز افزون توسعه میدهند و نظام اقتصادی نیولیبرالیسم را توصیه می نمایند، پشتیبانی از تلاشهای که بسود بازسازی اقتصادی از طریق سرمایه گذاریهای دولتی، مختلط و خصوصی در کشور انجام گیرد۰

درین رابطه در مرامنامه نهضت آینده افغانستان آمده است:

- نهضت آینده افغانستان بر آن است که به منظور تأمین رشد سریع نیروهای مولده، ایجاد زیرساختهای اقتصادی و تأمین انکشاف متوازن و باثبات اقتصادی باید از منابع و سرمایه های ملی و کلیه ریزرف ها و امکانات بیرونی بهره گیری و استفاده موثر اقتصادی بعمل آید و ستراتیژی برنامه اقتصادی - اجتماعی برای اجرای وظایف مرحله جاری بر پایه سکتور های دولتی، خصوصی، تعاونی و مختلط استوار گردد ۰(فصل سوم - اهداف مرامی ، بند دوم)

توضیحات ارائه شده در مشوره های محترم کشتمند در باره وظایف اقتصادی، حضور نیروهای نظامی خارجی و نتیجه گیری های که در پایان دیدگاه های خود نموده اند با مواضع نهضت آینده افغانستان شباهت های فراوان دارند که به مقصد کسب معلومات بیشتر، خوانش مکمل دیدگاه های ایشان و مرامنامه نهضت آینده افغانستان توصیه می گردد۰

محترم سلطان علی کشتمند به یک نکته اساسی دیگر که در تطابق کامل با موضع گیری های همیشه گی نهضت آینده افغانستان قرار میگیرد نیز تماس گرفته اند: "شماری از روشنفکران عملگرا و گروه های سیاسی معین، مرگ ایده های چپ را اعلام میکنند و با دوری از اندیشه های پیشرو میخواهند جنبش را به بیراهه بکشانند" (همانجا). این بیان بدون شک بر آنچه که نهضت آینده افغانستان از هشت سال بدینسو به آن اشاره نموده و بدینوسیله شیوع انحراف و گمراهی ناشی از ترک اندیشه را در میان بازمانده گان چپ دیروز هشدار داده است مهر تائید می گذارد. بویژه تاکید بر اندیشه های پیشرو مبین دیدگاه چپ است که محترم کشتمند در حقیقت تعلق خود را به آن برجسته ساخته اند اما در ادامه جمله می نویسند: "و شماری دیگر آرمانگرایانه و جزمی بر معیار های سنتی می چسبند و بدینگونه راه را در برابر نگرش های نوین در جهت ارتقا و پویائی می بندند". درینجا از احتمال دور نیست که هدف، بار دیگر نهضت آینده افغانستان است، اگر چنین است مقایسه فشرده ای که از دیدگاه های ایشان و مواضع نهضت در بالا صورت پذیرفت نشان می دهد که محترم کشتمند نیز از نظر فکری و سیاسی به جمع "آرمانگرایان" پیوسته اند. آنچه به "نگرش های نوین در جهت ارتقا و پویائی" رابطه می گیرد به عقیده شماری از کارشناسان و شخصیت های مستقل چپ نگر افغانی، مرامنامه نهضت آینده افغانستان و تمامی نشرات پیگیر « آینده » نگرشهای نوینی را برای جنبش چپ افغانستان عرضه می دارند که در مقایسه با دگماتیسم کهنی که نسل محترم کشتمند با آن خو گرفته بود، یک نوسازی بنیادی انقلابی تلقی میگردند.

تقابل بین مواضع دیروزی و امروزی محترم سلطان علی کشتمند:

محترم سلطان علی کشتمند تا همین یکسال پیش افکاری را اشاعه می کردند که با آنچه در بالا آمد فرق فاحش دارد. در مارچ ۲۰۰۲ هنگامیکه برخی رهبران،

کادرها و اعضای پیشین ح د خ ا می خواستند به ایجاد یک تشکل سیاسی به نام "نهضت میهنی" اقدام نمایند نیز پیشنهاداتی را ارایه نموده بودند *

درینجا قسمتهایی از "برخی پیشنهادات و نظریات مشورتی از سوی سلطان علی کشتمند - سابق صدراعظم افغانستان" ([منتشره در حمل ۱۳۸۱ مطابق مارچ ۲۰۰۲](#)) ارائه می گردند:

"...چنین سازمانی از لحاظ ملی متعلق به تمام ملیت ها و اقوام ساکن در افغانستان، از لحاظ اجتماعی عمدتاً نماینده اقشار وسیع متوسط در جامعه خواهد بود که پایگاه طبقاتی آنرا لایه های مختلف روشنفکران، سرمایه داران ملی و متشبهین خصوصی، بورژوازی خورده پای شهری، اقشار میانه حال روستائی و دهقانی، کارگران و پیشه وران آگاه تشکیل خواهد داد" *

سازمانی با این پایگاه طبقاتی - با وجود حضور سمبولیک چند تن دهقان میانه حال و یا کارگر آگاه در ردیف های آخرش - در هیچ یکی از رده های چپ نمی گنجد و نمی تواند از جانب افرادی که به گونه یی با مکتب "اندیشه های پیشرو" پیوند دارند مطرح گردد. در ادبیات سیاسی به اینگونه سازمانها "راست میانه" می گویند *

در ادامه می خوانیم:

"نهضت میهنی افغانستان برای دموکراسی (نماد) مانند هر سازمان سیاسی دیگری باید سیاست خویش را در رابطه با قدرت دولتی معین بسازد. به عقیده من لازم نیست که (نماد) هدف خویش را در کوتاه مدت با حفظ نظریات اپوزیسیونی خویش، در تقابل جدی با حاکمیت موقت کنونی تعیین نماید...از مندرجات دموکراتیک سند بن تحت عنوان موافقتنامه ترتیبات موقت در افغانستان تا زمان تاسیس مجدد موسسات دایمی دولتی پشتیبانی صورت گیرد.) تکیه از ماست) ، مشروط بر اینکه در عمل تحقق یابد" *

ماهیت ترکیب کنفرانس بن و حکومتی که از آن بیرون آمد از کسی پنهان نبود. کرسیهای حکومتی، به جز چند تکنوکرات گمنام و وابسته به غرب، همه در اختیار چهره های معلوم الحال جهادی قرار گرفتند. عملکرد حاکمیت موقت بنا بر خصلت ارتجاعی اش از همان روز های آغازین ساز و برگ یابی آن کاملاً آشکار بود و انتظار دیگری هم نمی رفت. پس چگونه می شد به تحقق "مندرجات دموکراتیک سند بن" چشم امید بست و پشتیبانی آنرا مشوره داد؟

بعد می خوانیم:

"به عقیده من حضور نظامی یک کشور در کشور دیگری حتماً به معنی آن نیست که حکومت آن دست نشانده تلقی گردد".

ازین افاده بر می آید که حکومت عبوری بعد از فروپاشی امارت طالبان از میان مردم برخاسته و دست نشانده نبود در حالیکه از جریان کنفرانس بن همه باخبر اند. حامد کرزی توسط زلمی خلیلزاد، نماینده اداره امریکا، به حیث رئیس حکومت بر کنفرانس تحمیل گردید و حکومت در آنوقت مستقیماً ذریعه نماینده امریکا سمتدهی می شد. آیا چنین حکومتی بی آنکه موضوع حضور نظامیان خارجی مطرح باشد یک حکومت دست نشانده نیست؟

در باره سیاست اقتصادی آمده است:

"سیاست اقتصادی کشور که میتواند از سوی (نماد) پیشنهاد گردد در اوضاع و احوال کنونی عبارت از پذیرش نظام اقتصاد بازار آزاد و گسترش رقابت سالم اقتصادی توأم با اصول عدالت اجتماعی، تأمینات مادی و بیمه های اجتماعی بخاطر بهبود زنده گی مردم خواهد بود. باید تدابیری اتخاذ گردد که سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در افغانستان با اعلام مصونیت قانونی سرمایه ها، سود ها و ملکیت ها و حق انتقال آنها تشویق گردد". (تکیه ها از مایند)

در اینجا باید روی مفهوم «توأم» مکث کرد. اگر «نظام اقتصاد بازار آزاد» - که در تمام دانشگاههای جهان با مفهوم علمی «نظام سرمایه داری» افاده میگردد - خود، بار آور عدالت اجتماعی میبود یعنی سرشت عادلانه میداشت، نیازی به افزودن گزاره «توأم با اصول عدالت اجتماعی» در متن نمیبود. و اگر آن نظام فاقد سرشتی تلقی گردیده است که بار آور عدالت اجتماعی است، چگونه میشود چنین سرشتی را بر یک «نظام اقتصادی» از بیرون تحمیل کرد و آنهم از سوی سازمانی که ماهیت طبقاتی نامتجانس داشته باشد، نی ماهیت روشن متعلق به زحمتکشان؟! از سوی دیگر چهره های امروزمین «نظام اقتصاد بازار آزاد» - از امریکا گرفته تا جاپان - که مرحله بسیار انکشاف یافته آنرا نشان میدهند، با «عدالت اجتماعی» فرسنگها فاصله دارند. و تازه جهانی شدن این «نظام» همین اکنون فقر جانکاهی را در کشورهای پیرامونی سرمایه داری و در خود کشورهای مرکز سرمایه داری شیوع بخشیده است. با یقین میتوان گفت که محترم سلطان علی کشتمند - آموزگار تیوری علمی انقلابی در حزب دموکراتیک خلق افغانستان - از این موضوع کاملاً واقف اند. آیا چنین مونتاز دو ماهیت متضاد در یک عبارت، ناشی از سیاست بازیهای آگاهانه است یا از اُفتهای تیوریک - تحلیلی؟

محترم سلطان علی کشتمند یکسال و اندی قبل در نوامبر ۲۰۰۶ با آقای قادری گرداننده تلویزیون خراسان مصاحبه یی انجام دادند ([اصل متن](#)) که بعد از ارائه برخی پیشنهادات به صحبت خود اینگونه پایان بخشیدند: "مهم اینست که برای تحقق پیشنهادات مفید و مطابق با شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور **اراده سیاسی وجود داشته باشد و آنها را مغایر با نظام سرمایه داری و بازار آزاد نپندارند**" (تکیه از ماست)♦

از اینکه امروز محترم سلطان علی کشتمند طرز دیگر می اندیشند، چپ می اندیشند و در راستای خطوط مرامی نهضت آینده افغانستان می اندیشند، شایان

استقبال است. اما پرسشی را نیز باید مطرح کرد: محترم کشتمند از دانش فراوان و تجارب غنی در عرصه سیاست برخوردار اند که به ساده گی می توانند اوضاع را به تحلیل گیرند و نتایج لازم را استخراج کنند. اگر ایشان در سالهای اخیر به انکشاف مثبت اوضاع، ثمر دهی دموکراسی و بازار آزاد وارداتی خوشبین بودند **چی امری سبب گردید که به یکباره گی تغییر موضع داده** به خانه فکری پیشین خود - تکیه گاه اندیشه یی دفاع از منافع زحمتکشان - باز گشته اند؟ پاسخ به این سوال را خود می فهمند و امید است که ما را نیز بفهمانند. در اخیر تمنا می رود که تا هستند، درین خانه بمانند!

۴ جدی ۱۳۸۶ (۲۶-۱۲-۲۰۰۷)

پینویس: دیدگاه چپ در سیاست، موجود نوینی نیست و از بیشتر از یک سده و نیم بدینسو ساختار فکری اندیشمندان و رهروان این طریق را مشحون ساخته در شیوه های متنوع دسترسی به آموزش اندیشه ای و حرکت های گوناگون سیاسی - اجتماعی متبازز گردیده است.

مقوله های چپ و راست به عنوان بازتابگر موضع سیاسی بار نخست در سال ۱۸۳۰ در فرانسه سر زبانها افتادند. درجولای آنسال از پی سرنگونی حاکمیت قبیله بوربان و انتقال قدرت به لوئیس فیلیپ "شاه مردمی"، پارلمان دارای حلقات (احزاب) گوناگون که در آنزمان "کلوپ" نیز نامیده می شدند عرض وجود کرد و نشست اعضای مجلس بر اساس تمایزات اندیشه یی و اختلاف در اهداف سیاسی آنها شکل گرفت طوریکه، محافظه کاران و سلطنت طلبان در سمت راست و جمهوری خواهان رادیکال و لیبرال های متقاضی تحولات بنیادی در سمت چپ رئیس پارلمان اخذ موقع نمودند. چنین نظم پارلمانی ابتدا در فرانسه و بعد در دیگر کشور های اروپائی نیز رایج یافت که باعث ظهور مفاهیم چپ و راست پارلمانی گردید. در نیمه دوم سده نهم با پیدایش و تقویه جنبش های کارگری

که از خطوط فکری کارل مارکس پیروی می کردند یا از آن متأثر بودند و دیگر جنبش های عدالتخواه ، مفهوم چپ از حوزه پارلمان خارج و به حیث ره نشان مسیر مبارزه برای دفاع از منافع طبقات و اقشار محکوم و زیر فشار وارد زبان سیاست گردید و کاربرد وسیع در ادبیات سیاسی یافت. این طرز تفکر در نیمه اول سده بیستم به قاره های دیگر نیز راه پیمود و الهامبخش جنبشهای آزادیخواه و ضد استعماری مردمان کشور های آسیا، افریقا و امریکای لاتین گردید - جنبشهایی که در تداوم مبارزات دشوار، به رهائی کشور های خود از سلطه استعمار توفیق یافتند و به تشکیل احزاب و سازمان های چپ مبادرت ورزیدند. از آن بعد دیگر «چپ» صرفاً یک پدیده اروپائی نبوده بلکه عقول و قلوب ملیون ها انسان ترقی خواه و عدالت جو را در سراسر دنیا تسخیر کرد و به اندیشه جهانشمول مبدل گردید.

حرکت فکری متمایل به چپ در افغانستان آنگونه که آشکار است در سالهای آغازین نیمه دوم سده بیستم پدیدار گشت و در گستره حوادث بعدی در چند شاخه از نظر ایدئولوژی متکی بر محور پندار های متأثر از منابع ایدئولوژیک بیرونی و دور از توجه به پیشزمینه های انطباقی در شرایط کشور رشد و توسعه یافت و در نهایت همینکه از حمایت مادی و معنوی بیرونی محروم گردید انسجام ساختاری خود را از دست داد و از زنده گی سیاسی جامعه ناپدید شد.

با وجود آن، تجارب اندوخته از گذشته و فراورده های پژوهشی دهه اخیر پیرامون شکست و بحران به وضاحت می رسانند که اگر چپ با دقت متعهدانه نگریسته شده و به مقصد درک درست، دلسوزانه حلاجی شود، در بیان اهداف خود ابهامی نمی گذارد و خواسته هایی را که در چشم انداز دارد به خوبی تجلی می دهد ؛ در غیر آن اعتلای دوباره آن ممکن نمی بود.

چپ سیاسی در برابر پدیده های کهن، عقبگرا، ارتجاعی و سنتی (کانسرواتیف - محافظه کار) که در ساختار های دولتی - اجتماعی وابسته به زورمندان حاکم

تبارز می یابند به مقابله پرداخته استقرار مناسبات نوین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نفع اکثریت جامعه (زحمتکشان) را پیشکش می نماید.

اگر بین این اهداف و ذهنیت توده ها در هر موقعیت کشوری، منطقه ای و قاره ای که قرار دارند رشته ارگانیک به میان آید و آنها با توسل به شیوه های صلح آمیز توريد فشار بر زمامداران حاکم به وسیله ایجاد نهادهای صنفی و راه اندازی اعتراضات جمعی و یا فرستادن نماینده گان شایسته به ارگان های قانونگذاری، اسباب تحولات اجتماعی را به نفع زحمتکشان فراهم سازند در حقیقت به اهداف چپ امروز از مجراهای دموکراتیک نایل آمده اند. چنین چپ را در مبارزه سیاسی چپ دموکراتیک می گویند. در افغانستان نیز چون زحمتکشان و ساختار های دولتی - اجتماعی زورمندان، هر دو وجود دارند چپ نمی تواند در رنگ و ماهیت غیر ازین بروز نماید.

www.ayenda.org